



می دانند که با این کار، باقی مانده اعتبار خود به عنوان کشور اسلامی را از دست می دهند. بنابراین توافق ابراهام هم در جهان اسلام و هم به لحاظ مبانی دینی و هم براساس واقعیت های منطقه ای، هیچ جایگاهی ندارد و صرفاً یک شعار سیاسی است. شاید بتوان گفت این تنها حربه و راه باقی مانده است تا از این حیث بار دیگر سلطه ای در منطقه ایجاد کنند.

● گزارش هایی منتشر می شود که نشان دهنده شکل گیری نوعی یکپارچگی در حوزه پهپادی و موشکی در محور مقاومت است. این دستاورد مهم ژئوپلیتیک چطور حاصل شد؟

حاج قاسم سیاست و دیپلماسی خود را براساس مبانی، اصول و قاعده ای طراحی کرده بود. آنچه به آن اشاره کردید نیز در دل این قاعده و اصول می گنجد. به عبارت دیگر، وقتی یک جریانی و اینجا محور مقاومت، براساس مبانی دینی و انسانی حرکت کند، قطعاً نصرت خداوند را نیز با خود خواهد داشت. در کنار این، توانمندی پهپادی و موشکی محور مقاومت، ناشی از اصول آن، یعنی بازدارندگی است. زیرا مقاومت براساس یک شرایط نامتقارن و در یک جنگ نامتقارن عمل می کند و طبیعت این نبرد، آنان را ناگزیر از اتخاذ این سیاست و رویکرد می کند. بویژه اینکه می دانیم جریان سلطه به لحاظ تجهیزات و فناوری های نظامی دست بالا را دارد. اما محور مقاومت، به اتخاذ سیاست های پهپادی و موشکی و طراحی یک سیستم یکپارچه، به جایی رسیده است که همه معادلات سابق موجود در منطقه را به هم زده است. در سال های دور، وضعیت به گونه ای بود که اگر رژیم صهیونیستی اراده می کرد، می توانست دو ساعته لبنان را بگیرد، اما امروز جرات ندارد یک تیر به سمت مقاومت یا حزب الله شلیک کند زیرا می داند که همه تدابیر امنیتی این رژیم و همه هزینه های سنگینی که مثلاً برای گنبد آهنین شده، از سوی محور مقاومت خنثی شده است. در یمن هم با وجود همه امکاناتی که غرب در اختیار سعودی گذاشت، باز هم می بینیم هر وقت یمنی ها اراده کنند، می توانند هر نقطه از عربستان سعودی را هدف قرار دهند. در

این زمینه، درست است که حاج قاسم نقش محوری را داشت، اما در عین حال، واقعیت این است که خود حاج قاسم نتیجه یک دین، یک ملت و یک مکتب است که ما امروز داریم نتیجه آن را می بینیم، هر چند متأسفانه خیلی ها نتوانستند به ابعاد مختلف و چندبعدی شخصیت حاج قاسم پی ببرند، در حالی که او نتیجه یک انقلاب و ملت و نتیجه یک دین و یک مکتب است.

● ارزیابی هانشان می داد که غرب و برخی کشورهای منطقه انتظار داشتند پس از شهادت حاج قاسم وضع محور مقاومت و منطقه به هم بریزد. امروز به نظر شما این طراحی های آنان به چه سرانجامی رسید؟

همه کشورهایی که با آمریکا بودند، هر جا که با آمریکا وارد شدند، همان جا شکست خوردند. طبیعتاً آنان هم بدشان نمی آمد این اتفاق بیفتد، به این معنی که فکر می کردند اگر آمریکا این کار را انجام دهد و حاج قاسم را به شهادت برساند، شرایط آنان بهتر خواهد شد. اما بعد از این حادثه دیدند که نه تنها وضع شان بهتر نشد، بلکه جمهوری اسلامی با خودی که نشان داد و وارد شدن در صحنه، عملاً با قوت و قدرتی بیش از گذشته دارد پیش می رود، کما اینکه خودشان اذعان دارند تهدیداتی که امروز متوجه آنان است، در زمان حضور حاج قاسم متوجه آنان نبود. از این رو احساس می کنند اگر در خلا حضور حاج قاسم بخواهند کاری بکنند، بیش از گذشته در معرض تهدید هستند.

● چشم انداز شما از آینده سوریه چیست؟

سوریه روبرو به ثبات است. ارتش و مردم

آن در شرایط سخت ماندند و از آن مرحله بحرانی عبور کردند. از این رو امروز به یک مرحله خوبی رسیدند که نه تنها ترکیه، بلکه بسیاری از کشورهای عربی که با سوریه می جنگیدند و حتی برخی از کشورهای غربی، به این نتیجه رسیدند که باید رابطه خود را با سوریه برقرار کنند. بنابراین سوریه دارد به آینده ای فکر می کند که این کشورها بیشتر به سوریه نیاز دارند تا اینکه سوریه به آنها نیاز داشته باشد. در یک رزم و در یک قدرت نمایی در جبهه مقاومت که در سوریه تشکیل شد، بقیه حساب کار دست شان آمد که با هر عضو مقاومت که برخورد کنند، با همه جبهه مقاومت طرف هستند. کما اینکه در سوریه فاطمیون، زینبیون و حزب الله وارد عمل شدند و حتی کشورهایی مانند روسیه نیز وارد صحنه شدند که نشان می دهد امروز دامنه مقاومت دارد از کشورهای اسلامی هم فراتر می رود. به این ترتیب، اکنون بسیاری از کشورها متوجه واقعیت صحنه در منطقه شده اند و این احساس را دارند که اگر کسی بخواهد با عضوی از مقاومت برخورد کند، بقیه اعضای مقاومت هم ممکن است مقابل او موضع داشته باشند. از این لحاظ، آشتی ترکیه با سوریه، به معنای آشتی ترکیه با حزب الله و حوزه مقاومت نیز است و این قضیه برای سایر کشورها هم صادق است. زیرا امروز مقاومت یک بازیگر بسیار مهم در منطقه است و می تواند برای دشمن چالش ایجاد کرده و برنامه های او را به هم بزند که در بسیاری از موارد توانسته این کار را بکند. البته ایده آل ما این است که کشورهای اسلامی کنار هم قرار بگیرند، غرب را رها کرده و به خانه خود فکر کنند. بنابراین افول قدرت آمریکا و فروپاشی از درون رژیم صهیونیستی، به وحدت جهان اسلام کمک خواهد کرد و در این صورت شاهد این خواهیم بود که همه کشورهای اسلامی دست به دست هم بدهند.

بزودی امیدواریم که تغییرات در نظم جهانی منجر به این بشود که مسلمانان به یک نقطه وحدت برسند و از سرمایه های خدادادی در مسیر اسلام و در جهت استقرار آزادی و امنیت بشری بهره ببرند.

● انتقام سخت و اصلی بعد از شهادت حاج قاسم، اخراج آمریکا از منطقه است. امروز جایگاه آمریکا در منطقه را چگونه می بینید؟

امروز اگر از آمریکایی ها بپرسیم مانند شما در منطقه چه سودی دارد، حتماً خواهند گفت ما داریم هر روز هزینه می دهیم، اما آورده ای نداریم. هر چند یک ابرقدرت به خاطر همین خود، همیشه تلاش می کند هزینه های خود را کتمان کند. در غیر این صورت، معلوم نیست که امروز آمریکایی ها در منطقه یا در سوریه چکار می خواهند بکنند، زیرا چیزی دست آنان نیست. باید از آنان پرسید تا کی می خواهید در عراق ادامه دهید؟ هر کاری خواستید کردید و دیدید که در عراق نتیجه ای برای شما نداشت. بنابراین به صلاح و به نفع آمریکایی ها و البته بیشتر به نفع منطقه است که آنان از منطقه خارج شوند. از طرف دیگر رهبر انقلاب فرمودند عاملان و آمران شهادت شهید سلیمانی مورد مجازات قرار خواهند گرفت. بنابراین آنان تا زمانی که زنده هستند باید مانند سلمان رشدی احساس ناامنی داشته باشند. بالاخره ممکن است بندگان مخلص خدا در نقطه ای از دنیا از آنان انتقام بگیرند و آنان نیز این مفهوم را بیشتر از هر کس دیگری می فهمند. ضمن اینکه منظور از انتقام خون حاج قاسم صرفاً این نیست که ۱۰ یا ۵۰۰ آمریکایی بمیرند. ما معتقدیم حتی شهادت حاج قاسم هم برای هدایت بشریت است. بنابراین اگر اندیشه حاج قاسم در دنیا منتشر شود و به انسان های آزادی خواه کمک کند تا به استقلال برسند، اثرش بیشتر از کشته شدن چند نفر آمریکایی است. فرهنگ حاج قاسم می تواند به عنوان مفهومی که در آن سلطه نفی می شود یا دفاع از مظلوم و اقدام براساس فترت بشری، مطرح شود. به همین دلیل است که معتقدیم شهادت حاج قاسم می تواند آورده ای برای بشریت باشد و این پرچم این را معرفی کند. به باور من، این انتقام اصلی شهادت حاج قاسم است.



چریان سلطه به لحاظ تجهیزات و فناوری های نظامی دست بالا را دارند. اما محور مقاومت به اتخاذ سیاست های پهپادی و موشکی و طراحی یک سیستم یکپارچه به جایی رسیده است که همه معادلات سابق موجود در منطقه را به هم زده است. در سال های دور، وضعیت به گونه ای بود که اگر رژیم صهیونیستی اراده می کرد، می توانست دو ساعته لبنان را بگیرد، اما امروز جرات ندارد یک تیر به سمت مقاومت یا حزب الله شلیک کند زیرا می داند که همه تدابیر امنیتی این رژیم و همه هزینه های سنگینی که مثلاً برای گنبد آهنین شده، از سوی محور مقاومت خنثی شده است.